



جهان چون دستخط کردگار است

دانش آموزان عزیز لطفاً با دقت و حوصله، غلط‌های املائی را پیدا کنید، آنها را اصلاح کنید، سپس متن اصلاح شده را پاک‌نویس کرده، در پایان یک بار دیگر متن اصلاح شده را بخوانید که کلمه‌ای غلط نوشته نشده یا جا نیفتاده باشد.

خدایا تو مونس روح و جان من هستی و جز یاده تو بر زبانم نیست. اجز و ناتوانی مرا ببین و با عنایتِ الهی خود، مرا به آن جا که شایسته می دانی، برسان.

از سحر باز می گشتم و نسیم مانده مادری مهربان و حق شناس، سرهای نهال های جوان را به نشانه وداء با من خم کرده بود. دشمن می خواهد نسل جوان را ناامید کند اما به رقم تلاش های دشمنان، واقعیت عکس این است و من حرف کسانی را که از انهراف این نسل سخن می گویند، قبول ندارم. رییس یک هیئات جهانی به من گفت که باور نمی کند جوانان ما توانسته باشند خرّم شهر را با آن همه استهکامات دشمن، پس بگیرند.

نوجوانی دوره ای شبیه به روّیا و زیباست. قشنگی آن را با کم حوصلگی های بیهوده زشت و تاریک نکنیم. در این سن رابطه های ما خیلی مهم است چون شخصیت ما را شکل می دهد.

نصفه خالی قلبم را با خوشحالی و رضایت دادم به همه آدم های خوبی که توی مهله ما زندگی می کنند و همه قُم و خویش های خوبی که دارم اما هر کار کردم، عموی پولدارم با صندوق پول هایش در قلبم جا نگرفت که این تفسیر من نیست. کبوتر بچه ای با شوق پرواز، جرعت کرد و بال و پرش را باز کرد اما از ناتوانی فریادش بلند شد. مادرش به او گفت هنوز برای پریدن او زود است.

بایزید بستامی با خود گفت: ای تن رنج از بحر خدای بکش و آن شب دعای مادرش در حق او مستجاب شد و مقام بلندی یافت.